

تبیین نظام سیاسی اسلام در غدیر خم

تعیین جانشینی برای رهبری امت اسلامی از مهمترین و عمده ترین مسایلی بود که پیامبر اکرم(ص) در آخرین سال حیات، هنگام بازگشت از حجه الوداع، به همراهان خویش ابلاغ کرد. اگر چه این اعلام عمومی، به فرمان خداوند انجام شد، ولی صرف نظر از آن، می توانست حاکی از دغدغه طبیعی معمار و بنیانگذار مکتب نسبت به آینده امت باشد. این اقدام یک ضرورت اجتماعی اجتناب ناپذیر بود و از انتظارات عقلای عالم به شمار می آمد و آن حضرت حتی در زمان حیات خویش از آن مهم غفلت نمی ورزید.

او می دانست که جامعه بی سرپرست هر لحظه در معرض اختلاف، گسستگی و هجوم فرصت طلبان است.

لذا هر وقت برای جنگ یا غزوه ای از مدینه خارج می شد، شهر را بدون امیر و خلیفه و انمی گذاشت. پس هنگامی که سفری ابدی در پیش رو داشت، چگونه ممکن بود امت را به حال خود واگذارد.

- این بود که در زیر آفتاب سوزان بیابان تفتیده حجاز در میان جمعی از بزرگان اصحاب، کوشید تا رسالت خویش را به پایان رساند.
علمای شیعه و شماری از دانشمندان اهل سنت بر این باورند که سوره مائده، بویژه آیه ۶۷، آخرین کلامی بود که بر پیامبر(ص) نازل شد. بسیاری از علمای اسلام معتقدند آیه مزبور در روز هجدهم ذی الحجه، پس از تمام شدن اعمال حجه الوداع در غدیر خم و قبل از آنکه پیامبر علی(ع) را خلیفه خود معرفی کند، نازل شده است. آنها شان نزول این آیه را انتصاب علی(ع) به جانشینی پیامبر(ص) می دانند.
- و باز هنگام حرکت به سوی تبوک به علی(ع) فرمود: «نسبت تو به من، مانند نسبت هارون به موسی است، جز اینکه پس از من پیامبری نخواهد بود.» پیامبر(ص) با این سخن، مقام وزارت، اختصاص در دوستی، برتری بر همگان و جانشینی در زمان حیات و پس از وفاتش را برای علی(ع) ثابت کرد، زیرا قرآن کریم به تحقق همه این موارد درباره هارون گواهی می دهد.
- ویژگیهای علی(ع) از نگاه پیامبر(ص) پیامبر(ص) بارها به موقعیت معنوی علی(ع)، فضایل آن حضرت، امتیازهای او بر دیگران و مقام وصایت و وراثت تاکید ورزیده است. آن بزرگوار در گفتار بلندی به دخترش فاطمه(س) می فرماید:
«ای فاطمه، آیا خشنود نیستی تو را به همسری کسی در آوردم که اسلامش پیشتر از دیگران و دانشش بیشتر از همگان است؟ به راستی، خدای تعالی به اهل زمین توجه فرمود، از میان ایشان پدرت را برگزید و او را پیغمبر قرار داد، دوباره به آنها توجه فرمود، از ایشان شوهرت را برگزید و او را وصی قرار داد. خدای تعالی به من وحی فرمود تو را به ازدواج او در آورم. ای فاطمه، آیا نمی دانی که خداوند به خاطر بزرگداشتت، تو را به همسری بزرگترین، بردبارترین و دانشمندترین مردان، کسی که پیش از دیگران اسلام اختیار کرد، در آورده؟»

فاطمه(س) از این سخنان خندان و شکفته شد، پس رسول خدا(ص) به او فرمود:

ای فاطمه، به راستی برای علی هشت فضیلت است که مانند آن به هیچ یک از پیشینیان و آیندگان داده نشده: او در دنیا و آخرت برادر من است و این فضیلتی است که هیچ کس دارای آن نیست: تو که بانوی زنان بهشتی، همسر او هستی؛ دو نتیجه و زاده رحمت [حسن و حسین] که فرزندان او هستند، فرزندان اویند؛ برادرش [جعفر بن ابی طالب] کسی است که با دو بال در بهشت آرایش شده و با فرشتگان هر کجا خواهد پرواز می کند؛ علم اولین و آخرین نزد اوست؛ او نخستین کسی است که به من ایمان آورد؛ او آخرین کسی است که هنگام مرگ با من دیدار می کند و او وصی من و وارث همه اوصیاست.»

و باز رسول خدا(ص) به علی(ع) فرمود:

«یا علی، با تو مخاصمه و پیکار می کنند و تو به سبب هفت خصلت و فضیلت بر دیگران پیروز می شوی که هیچ کس آن هفت خصلت را ندارد: ۱- تو نخستین ایمان آورندگانی ۲- در پیکار و جهاد با دشمنان دین از همگان بزرگتر و برتری ۳- داناترین ایشان به روزهای خدا هستی ۴- در پیمان با خدا با وفاترین و پایدارترین آنهایی ۵- با مردم مهربانتر از دیگرانی ۶- در تقسیم بیت المال به خاطر رعایت مساوات بر دیگران برتری داری ۷- در فضیلتها و مزیتها در نزد خدا از همگان برتر و بزرگتری.»

- احادیثی که درباره فضایل و مناقب علی از پیامبر اکرم(ص) صادر شده، به اندازه ای است که موضوع کتابهای بسیاری گردیده و در این مجمل نمی گنجد. به هر حال، از مجموع این احادیث در مراحل مختلف چنین به دست می آید: پیامبر اکرم(ص) در نخستین روزهای بعثت، که به نص قرآن ماموریت یافت خویشان نزدیکتر خود را به دین خدا دعوت کند، صریحا به آنان فرمود: هر یک از شما که در اجابت دعوت من از دیگران پیشی گیرد، وزیر، جانشین و وصی من است. علی(ع) از دیگران سبقت گرفت و اسلام را پذیرفت. پیامبر(ص) از او قبول فرمود و او را وزیر و جانشین خود کرد. علی(ع) این رویداد را این گونه بازگو می کند: «من از همه کوچکتر بودم، عرض کردم: من وزیر تو می شوم. پیغمبر دستش را به گردن من گذاشته، فرمود: «این شخص برادر، وصی و جانشین من است، از او اطاعت کنید». مردم می خندیدند و به ابوطالب می گفتند: تو را امر کرد که از پسرت اطاعت کنی!
- پیامبر اکرم(ص) مکرر تصریح فرمود که علی(ع) در گفتار و کردار خود از خطا و گناه مصون است، هر سخنی که بگوید و هر کاری که انجام دهد، با دعوت دینی مطابقت دارد و داناترین مردم به معارف و شرایع اسلام است. راویان عامه و خاصه نقل کرده اند که پیامبر(ص) فرمود: علی همیشه با حق و قرآن است و حق و قرآن همیشه با اوست و تا قیامت از هم جدا نخواهند شد.
- مجاهدتها و خدمات علی(ع) او را از دیگر صحابه همواره ممتاز گردانید، خوابیدن او در بستر پیامبر(ص) در شبانگاهان هجرت و فتوحات او در بدر، احد، خندق و خیبر، زبانزد همگان بود. در غدیر خم پیامبر(ص) علی(ع) را به ولایت عامه مردم نصب و معرفی کرد و او را مانند خود سرپرست مؤمنان قرار داد.

- رحلت پیامبر(ص) و منازعات سیاسی چند رحلت پیامبر و منازعات دامنه دار برای تصدی خلافت امری روشن است، اما پیامی مهم دارد و آن اینکه مساله رهبری و حکومت از بدیهی ترین نیازهای جامعه اسلامی است؛ نیازی که صحابه پیامبر یکصدا برای تحقق آن قیام کردند، هیچ کس در لزوم آن تردید روا نداشت و تنها مصداق و شیوه تعیین آن مورد اختلاف واقع شد.
- نظام رهبری در مکتب اهل بیت(ع) بسیاری از صحابه پیامبر(ص) با استفاده از مفاد آیاتی چون: وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ؛ وَ جَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ... وَ ... قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا. و همچنین با استناد به قول و فعل پیامبر(ص) بر این باور شدند که امام و پیشوای جامعه باید از سوی خدا و توسط پیامبر(ص) معرفی و معین شده، معصوم و از هر عیب و نقص خلقی و خلقی و سببی پیراسته باشد و در خاندانی پاک و پاکدامن تولد یافته باشد.
- بنابراین، در عرف خاص شیعیان: «امام» رهبری سیاسی، فکری، اخلاقی را در بر می گیرد و اداره امور اجتماعی، راهنمایی و ارشاد فکری و آموزش دینی و تصفیه و تزکیه اخلاقی از او انتظار می رود. چنین شخصی مسلماً باید از رذایل اخلاقی وارسته، به فضایل آراسته و در دانش و بینش و بردباری و سایر صفات متعالی سرآمد همگان باشد. «الامام المطهر من الذنوب، المبرء عن العيوب، المخصوص بالعلم، الموسوم بالحلم»
- امام در سایه این ویژگیهاست که ارشاد و هدایت امت را عهده دار می شود، اما روشن است که به هنجار آوردن ملت، بدون نظام و برنامه و مدیریت نیرومند، هرگز ممکن نیست. از این رو، امامت را «نظام دین و دنیا» دانسته اند: هشتمین پیشوای ما حضرت رضا(ع) می فرماید: «امام سبب برپایی نظام دین، خشم منافقین و نابودی کافرین است.» آرمان طرفداران مکتب اهل بیت پیامبر(ص) این بود که چنین کسی بر جامعه اسلامی حکومت کند و آنها در سایه چنین آرمان بلندی همواره بر سلاطین فاسد و ستمگر شوریده اند. متفکر معروف عراقی «دکتر علی الوردی» در این باره می نویسد: «شیعه ائمه خود را معصوم از گناه (پیراسته از فساد اخلاقی و سیاسی و اجتماعی) می دانند و این عقیده یعنی اصل عصمت، نتایج اجتماعی و عملی سترگی در پی داشت: زیرا انتقادی غیرمستقیم از ستمگرها و تباهاکاریهای خلفا، سلاطین و قدرتمندان بود. شیعیان که به عصمت اعتقاد دارند، با عصمت ائمه خود، گناهان بزرگ ستمکاران و فرمانروایان را مورد حمله قرار می دادند و ائمه خود را به عنوان نمونه تمام عیار عصمت و پاکدامنی در برابر آنان می گذاشتند. تشیع، مانند هر مسلک انقلابی، ریشه فساد و تباہ روزی و سیاه روزگاری جامعه را در سازمان حکومت جستجو می کند و ناآگاهان و شناخت نایافته ها (توده غافل و ناآگاه) را مسؤول و مقصر نمی شناسد. اعتقادی که شیعیان درباره امامت دارند، همیشه آنها را به قیام بر ضد حکومتها واداشته است، زیرا هر حکومتی در هر سیستمی از نظر شیعه ستم کیش و بیدادگر فرمان است. شیعیان تنها حکومتی را بر حق می دانند و از آن رضایت دارند که امامی معصوم از آل علی آن را اداره کند. این عقیده موجب دوام و استحکام دشمنی میان شیعیان و صاحبان قدرت شده است ...
- به حقیقت اصل عصمت و همچنین اندیشه ضرورت تنصیف امامت و رهبری از جانب خدا و پیامبر و حصر این رهبری در خاندان علی، درفش فکری و پرچم مقاومت سیاسی و مبارزه معنوی گروه های مخالف و انقلابی جامعه علیه خلفا و صاحبان امتیازهای سیاسی و اجتماعی بود. حتی «بارتلس»، محقق و مورخ روسی، نیز می پذیرد که نهضت ها اغلب از آنجا آغاز می شد که داعیان از جانب مدعیان امامت به قصد متشکل ساختن پیروان در بین مردم ظاهر می شدند و به دیگران گوشزد می کردند که قدرت و حکومت امویان و یا عباسیان باطل است.
- به گزارش «قاضی نعمان»، در طول قرن هشتم تا نهم میلادی در اصفهان، هرات، خراسان، فارس، ری و نقاط دیگر ۱۰۹ جنبش به رهبری فرزندان علی برپا شد و همه آنها مدعی بودند که «علم حقیقی» محمد(ص) و کلید گنج اسرار رسالت نزد آنها و مسند خلافت حق آنهاست .»

- اما باید دانست که غیبت امام معصوم هرگز به معنای تعطیل شدن نظام دینی نیست؛ زیرا اولاً اجرای بسیاری از احکام اسلامی متوقف بر وجود نظام است و ثانياً حفظ کیان اسلام و مسلمانان بدون برخورداری از قدرت و حاکمیت دین ممکن نیست. در عصر غیبت، این مسؤولیت بر عهده کسی است که از نظر علم و عدالت و دیگر ملاکها از دیگران به امام معصوم (ع) نزدیکتر باشد

پی نوشتها:

۱. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به کتاب «ماجرای سقیفه» نوشته محمدرضا مظفر، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، ص ۳۹.
۲. سوره مائده، آیه ۶۷.
۳. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به کتابهای «علی در قرآن و حدیث» و «تجلی امامت» تألیف سید علی اصغر ناظم زاده.
۴. ارشاد، ج ۱، ص ۳۲.
۵. طبری، ج ۲، ص ۶۳.
۶. غایه المرام، ص ۵۳۹.
۷. برای آگاهی از منابع حدیث غدیر، رجوع شود به دو کتاب «عقبات الانوار، میرحامد حسین هندی» و «الغدیر، عبدالحسین امینی».
۸. سجده، آیه ۲۴، انبیاء، آیه ۷۳، بقره، آیه ۱۲۴.
۹. پیشوای صادق، آیه ۱... خامنه ای، ص ۷۰ و ۷۱.
۱۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳۸۷ این حدیث در عیون الاخبار و تحف العقول نیز آمده است.
۱۱. ناصر خسرو و اسماعیلیان، بارتلس، ص ۷۶.
۱۲. همان کتاب، و نیز بنگرید به کتاب حکومت اسلامی از دیدگاه نائینی، حمیدرضا مستعان، ص ۸ - ۱۰.